

سنول نادرست رژیم جمهوری یا سلطنتی

شما در مقاله خود تحت عنوان 'جبهه جمهوری خواهی یا مجلس موسسان برای پذیرش و تحقق حاکمیت آرا مردم، به نکته هایی اشاره کرده اید که پر از مفاهیم انتزاعی است و سوال ها بی را مطرح و جواب های را داده اید که با واقعیت های سیاسی ایران ارتباطی ندارد. در ادامه این نوشته مشاهدات مرا درباره مقاله خود خواهید دید. به نظر میرسد در این مقاله شما از کمونیست های ایران انتقاد میکنید اما نه از فاصله زیاد که نشان دهد جلبستگی به آن ندارید و کاملاً از آن بریده اید و از ادبیات آن در نوشته خود استفاده نکرده اید. برای من هیچ چیز کسل کننده تر از خواندن حرفی های کمونیستی نیست که تماماً خیالبافی های دور از واقعیت های سیاسی هستند.

شما مرتب از حاکمیت آرا مردم یاد کرده اید، در این مورد باید توجه کرد که آرا مردم ایران مانند تمام مردم جهان در تائید آرا رهبری سیاسی آنها خواهد بود؛ بنابراین مردم ایران بعد از هوشمندی سیاسی خود در اختیار بخشندگی رهبری سیاسی خود هستند. و مجلس مؤسسان تصمیمی بیرون از جهان بینی سیاسی رهبری مردم نخواهد گرفت. چنانچه به انقلاب ۵۷ توجه کنید، از اول آشکار بود که آیت اله ها رهبری سیاسی را در دست دارند و روشن بود هیچ اتفاق سیاسی که رنگ اسلامی نداشته باشد نخواهد افتاد. از آنجا که تحصیل کرده های غیر مذهبی کارنامه درخشانی در حماقت، بی مسئولیتی و بیبندباری سیاسی در تاریخ معاصر دارند به نام مردمی بودن به حزب اله پیوستند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای حفظ روش زندگی خود به غرب پناه بردند تا به زندگی غریزه خود ادامه دهند، روش زندگی که خود در ایران از بین بردند.

از آنجا که موزیکری سیاسی روش معمول کمونیست های ایرانی است و آنها زیر اسامی یشماری اصول مقدس خود را دنبال میکنند، جبهه جمهوریخواهی پوشش دیگری است برای مبارزه با بقایای سلطنت طلب های کهنسال، چون این امکان دور دست وجود دارد که چنانچه سلطنت طلب ها به قدرت برسند روابط ایران با آمریکا و غرب دوستانه خواهد شد و مردم ایران مانند کمونیست های خارج نشین بتوانند زندگی مرفه و آزادانه ای داشته باشند و این را کمونیست ها هرگز نخواهند پذیرفت و برای اجتناب از آن با حزب اله و جمهوری اسلام همکاری خواهند کرد. برای کمونیست ها مبارزه با سلطنت طلب ها بعد از پیروزی حزب اله هرگز پایان نیافته و هنوز ادامه دارد. اما اینکه سلطنت طلب ها دشمن چپی خود را میبینند تردید آمیز است چه رسد به اینکه از جهت سیاسی با آن وارد مبارزه شوند.

علت اینکه چرا نوسازی و ترقی خواهی ایران بعد از ۷۰ سال متوقف شد، این بود که حزب اله

کمونیست ها و معجون مذهبی کمونیستی بنام جبهه ملی که اقلیت فعال سیاسی را تشکیل میدادند در مقابل اکثریت تحصیل کرده های غیر فعال سیاسی هرگز از مبارزه بر علیه آن دست برنداشتند و سرانجام چرخ پیشرفت ایران را متوقف کردند.

آنچه ایران امروز احتیاج دارد رهبری سیاسی دمکرات غیر مذهبی است که به قوانین جهانی احترام بگذارد و مانند ترکیه، پاکستان و اسرائیل برای حفظ روابط دوستانه خود با غرب ارزش قائل شود و مردم ایران را از شر ماجراجونی های سیاسی مذهبی ها، کمونیست ها و جبهه ملی ها و حماقت های سیاسی سلطنت طلب ها آسوده کند و به اعتماد مردم خیانت نکند. چنین نیروی سیاسی باید در جلب اعتماد مردم با نیرو های سیاسی مخرب ذکر شده لحظه ای از مبارزه کوتاهی نکند و گر نه فردای ایران همانقدر تاریک خواهد بود که امروز آن است ۲۰۲۸۰۰۴